

## "راز دار خلق اگر باشی، همیشه زنده ای"

... "زندادان پایان کار یک انقلابی نیست. آغاز مرحله دشوار تری از

تمرین و آموزش و تدارک و تجهیز برای نبردهای دیگر و تغییر دادن جهان است. یک مبارز تنها موقعی تمام می شود که باور کند دشمن از او قوی تر است. او با این خطا در حقانیت خود تردید کرده است و به این ترتیب او نه در چنگال های دشمن، بلکه به دست خود از پای در آمده است."

بیست سال از شهادت رفیق پرویز حکمت جو، دلاور بیباک خلق گذشت. ۲۴ خرداد ۱۳۵۳، پرویز حکمت جو، پس از تحمل ۹ سال شکنجه وحشیانه سرانجام بدست دژخیمان ساواک به قتل رسید و برگی دیگر به دفتر پرافتخار مبارزات خونین خلق های ما در راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی افزوده شد. ادامه در ص ۳



شماره ۳۰، دوره هشتم  
سال یازدهم، ۳۱ خرداد ۱۳۷۳

## «نه به قدرت خدایان، بلکه به توان حقیقت»

« این امر برای پدر من شکستی بود... او، به این ترتیب، می دانست که فروپاشی کشور از «بالا» رهبری می شود و نیروی مقابله با آن را در خود نمی دید. و همین امر ضربه روحی شدیدی به او وارد آورد. من به نسل پدرانمان: آن هاییکه پاکبازانه عمل کردند، شریف بودند، خطر کردند و آنچه از دستشان بر می آمد برای کشور انجام دادند، احترام می گذارم.»

ص ۸

## خانه خود بخود آتش نگرفت، کسی بنزین ریخت و کبریت زد

● سنگین ترین میراث عصر گارباچف- یلتسین از رمق افتادن خلق روس خواهد بود. نمی توان با این نقطه نظر مایکل داویدوی موافقت نکرد که فقر گسترده موجب تضعیف جسمی بخش عظیمی از اهالی و فرار مغزها خواهد شد... حکام فعلی جنگی آشکارا را علیه مردم، علیه آنهایی که طعم شادی مهمترین پیروزی یعنی آزادی از استثمار را چشیده اند به پیش می برند. مردم به خاطر آن پیروزی بهایی گراف پرداختند و آنها ستم غیر انسانی، بیکاری و حقارت را تحمل نخواهند کرد...

ایالات متحده آمریکا ۵ تریلیون دلار صرف فروپاشی کشور شوروی کرد. این رقمی است که با سابقه ترین روزنامه نگار آمریکایی، مایکل داویدوی اخیرا در کتاب خود ذکر کرده است. مایکل داویدوی ۱۵ سال در مسکو به فعالیت های ژورنالیستی اشتغال داشت. او به مثابه گواه «خبره» دموکراسی غربی که خود را در افسانه هایی نظیر افسانه های ایدئولوژیک رنگارنگ پنهان ساخته است سخن می گوید: تریلیون ها دلار «از آن طرف» صرف ادامه در ص ۳

## در دیگر صفحات:

سیاست های اقتصادی رژیم صنایع تولید پنبه و نساجی کشور را به

سمت ورشکستگی کامل سوق داده است! ص ۶

اجلاس کشورهای عضو جنبش غیر متعهدها ص ۷

## "بهترین هتل دنیا"

بر اساس گزارش خبرگزاری های جهان، اسدالله لاجوردی، رئیس سازمان زندان های جمهوری اسلامی اخیراً اعلام کرد که: "زندان اوین با بهترین هتل ها رقابت می کند..."

این نخستین باری نیست که رئیس زندان های جمهوری اسلامی چنین ادعاهایی را طرح می کند. در گذشته ای نه چندان دور سران رژیم و از جمله لاجوردی در مقام مسئول زندان اوین، از جمله مدعی بودند که زندان اوین در واقع "دانشگاهی" است که زندانیان سیاسی در آن "تربیت" می شوند. طرح چنین ادعاهایی، آنهم از سوی کسانی که مسئولیت یکی از بزرگترین قتل عام های سیاسی تاریخ معاصر کشور ما را بر دوش دارند، چیزی جز گستاخی و قیحانه و دهن کجی به خانواده های هزاران زندانی سیاسی که طعم "مهمان نوازی های" دژخیمان رژیم را چشیده اند، نمی تواند باشد.

در عرض چند سال گذشته آتقدر سند، مدرک، شاهد عینی و گزارش چه از سوی سازمان های مختلف سیاسی و چه از سوی سازمان های حقوق بشر و از جمله فرستاده ویژه سازمان ملل متحد به جمهوری اسلامی، پیرامون زندان های جمهوری ادامه در ص ۲

زنده باد آزادی، صلح و عدالت اجتماعی، طرد باد رژیم «ولایت فقیه»!

## بهترین «هتل» ...

اسلامی و خصوصاً زندان اوین و شرایط غیر انسانی و دهشتناکی که در آنجا حاکم است، انتشار یافته است که گوشه تاریک و ناروشنی در این مورد برای کسی باقی نمانده است.

واقعیت این است بهترین «هتل دنیا» جایی است که انسان های مبارزو آزادیخواه را تا سرحد مرگ شکنجه می کنند، شلاق می زنند، و با داغ و درفش وادار می کنند تا به جرم های ناکرده «اعتراف» نمایند. وظیفه «هتل داران» و یا بهتر بگوئیم شکنجه گران و دژخیمان اوین، که لاجوردی خود از مشهورترین و سنگدل ترین آنان است، چیزی جز درهم شکستن و خرد کردن شخصیت های انسان های والایی که حاضر نبودند و نیستند «منطق» آقایان را بپذیرند، نبوده و نیست. پدیده «اعتراف» های تلویزیونی و نشان دادن چهره های درهم شکسته و نیمه فلج انسان های شریف و مبارز، اگر در ابتدای کار سوژه جالبی برای گروهی افراد مبتذل و فرصت طلب سیاسی برای تسویه حساب با مخالفان بود، امروز از سوی همه نیروهای سیاسی کشور و حتی گروهی از نیروهای پیرامونی و یا رانده شده از حاکمیت، شیوه ای محکوم شده و منفور است که ثمری جز روسیاهی بیشتر برای دژخیمانی مانند لاجوردی ندارد. مهندس بازرگان در افشای چنین شیوه هایی بود که از تربیون مجلس شورای اسلامی اعلام کرد: اگر روزی من را آوردند که حرف هایی غیر از آنچه که امروز می گویم، زدم بدانید که من نیستم.

آخرین قربانی این سیاست جنایتکارانه و «مهمان نوازی» شکنجه گران اوین سعیدی سیرجانی است که به تمامی جرایمی که قبلاً سخنگوی وزارت اطلاعات پیش بینی کرده بود، «اعتراف» کرد.

برای یاد آوری چگونگی پذیرایی از «مهمانان» در «بهترین هتل دنیا»، توجه خوانندگان «نامه مردم» را به گوشه هایی از نامه شجاعانه رفیق شهید دکتر احمد دانش، که سرانجام در کنار هزاران زندانی سیاسی در تابستان سال ۶۷، بدست جلاخان اوین با قساوت تکانهنده ای اعدام گردید، جلب می کنیم:

«در حالیکه بارها و بارها شنیده و در قانون اساسی جمهوری اسلامی خوانده بودم که شکنجه ممنوع است، خود شکنجه شده و بارها و بارها شاهد شکنجه های بیرحمانه انسانهای دیگر بوده ام. انسان هایی که صدای خش خش خزیدن پیکر های علیل آنها را شنیده و از زیر چشم بند دیده ام که چون در اثر شکنجه قادر به راه رفتن نبوده اند برای نقل مکان بر روی باسن خود می خزیدند... انسان هایی را دیده ام که در اثر شدت زخم ها و دردهای ناشی از شکنجه

## پرسش

به چه می اندیشی؟  
به نهالی که شکست؟  
یا به بذری که فشانندی به زمین؟  
بی که آبی برسانیش، ز رود؟

به چه می اندیشی؟  
به بهاری که گذر کرد و گریخت؟  
و ندیدیمش روی؟  
یا به پائیزی خزانبار که نک آمده است،  
و زما می برد -  
این شاخ -  
این برگ .

به چه می اندیشی؟  
به زمستان عبوسی که بخواهد آمد؟  
و زما خواهد برد،  
همه رگ ریشه و پوست؟  
و به مالخت تنان، خواهد داد،  
دو سه گز جامهء برفینه -  
که باید می داشت؟

یا به پایان عبور  
و به خاموشی و خواب  
و به نامی که اگر -  
به بود و نیک  
شود کننده به سنگ!

به چه می اندیشی؟  
باز کن عقدهء دل را بامن،  
مهربان باش -  
رفیق.  
من و تو پارهء یک پیکره ایم.  
بگو آن قصه که می باید گفت!  
لب خموشی و چموشی -  
مکن اینجا،  
نگ است.

فصل ما می گذرد،  
وقت ما کافی نیست.  
چه کسی گفت به تو -  
زندگی مردابست؟  
و لجنزار عمیقی است که نتوان خشکاند؟  
نتوانش یالود.  
چه کسی گفت به تو -  
آدمی مردابست؟  
و عفن زاست و به سازی آن ممکن نیست!  
نتوانش آمود.  
به گمانم که تو از جمع دگردیسانی،  
و به خود می نگری،  
و به مرداب شعوری و غروری که -  
عفونت زده است.

زندگی نیست سرابی که تو می پنداری!  
زندگی جوشانست،  
زندگی جاریست.  
زندگی دریاست.  
موج ها می گذرند.  
من و تو می گذریم.  
آدمی می ماند -  
و آدمی می زاید  
به تحرک که اصالت دارد،  
به تلاشی که همه نعمت هستی در اوست،  
به امیدی که اصالت دارد،  
آدمی باید بود.  
زندگی باید کرد.  
زندگی باید کرد.  
آدمی باید بود.

شاعر فقید توده ای:

گورورز پیدلی

چنین است گوشه ای از واقعیات تکانهنده ای که مایه ننگ بشریت متمدن است و تنها از دست مزدوران و جلاخان سنگ دل برمی آید. بی شک سرنوشت زندانیان و شکنجه گران کنونی اوین تفاوتی با زندانیان و شکنجه گران قبلی که سرانجام در مقابل دادگاههای خلق قرار گرفتند و به سزای اعمال پلیدشان رسیدند، نخواهد داشت. اگر آنقدر نزدیک نباشد که ما می اندیشیم، آنقدر نیز دور نخواهد بود که حکام جمهوری اسلامی و مزدورانش می پندارند.

استفراغ می کردند و در نتیجه آنقدر آب از دست می دادند که پوستشان خشک می شد و خطر مرگ تهدیدشان می کرد... انسان هایی را دیده ام که از شدت ضربه های شلاق خون ادرار می کردند و به علت از کار افتادن کلیه ها می بایست دیالیز شوند. البته از حق نگذریم که نام این اعمال را «تعزیر» گذاشته بودند...»

(از نامه رفیق احمد دانش، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران  
به آیت الله منتظری، تهران - زندان اوین، ۱۶/۲/۱۳۶۶)



**رفیق شهید: پرویز حکمت جو، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران**

و چگونه انسانی زیستن بزرگترین یادگار پرویز حکمت جو و تمامی شهدای قهرمان راه آزادی میهن ماست.

### یادشان گرامی و راهشان پیروز باد!

مشترک المنافع را «لگد مال» می‌کند. تاکنون ۱۵۰ هزار نفر کشته و قریب ۵۰۰ هزار نفر مجروح شده‌اند. این همان «نظمی است» که یوگسلاوی را درهم می‌شکند، سرزمین‌های نوبی را به انحصارات فراملی می‌دهد. آن‌ها را به همکاری با ناتو وامی دارد و رهبری ایالات متحده آمریکا را تحکیم می‌بخشد. در حالیکه سرزمین‌های بالکان، اروپای شرقی، کشورهای ساحل بالتیک و سرزمین‌های جنوب «بعد از شوروی» را به نفع واشنگتن تقسیم می‌کند. مایکل داویدوی معتقد است که خلق روس دوران طولانی جدید پر از دشواری را در پیش دارد ولی توهم «سوئدی» شدن به پایان خواهد رسید.

سنگین ترین میراث عصر گارباچف - یلتسین از رمق افتادن خلق روس خواهد بود. نمی‌توان با این نقطه نظر مایکل داویدوی موافقت نکرد که فقر گسترده موجب تضعیف جسمی بخش عظیمی از اهالی و فرار مغزها خواهد شد... حکام فعلی جنگی آشکارا را علیه مردم، علیه آنها، یک طعم شادی مهمترین پیروزی یعنی آزادی از استثمار را چشیده‌اند به پیش می‌برند. مردم به خاطر آن پیروزی بهایی گزاف پرداختند و آنها ستم غیر انسانی، بیکاری و حقارت را تحمل نخواهند کرد...

نوشته‌های مایکل داویدوی عمیقاً حاکی از این واقعیت است، نیروهایی که اکنون در روسیه به حکومت رسیده‌اند ضد خلقی و ضد میهن دوستی‌اند. این نیروها را فقط فساد متحد نگاه داشته است و بهمین دلیل محکوم به زوال هستند. «روسیه لحظات سترگ و پرتلاطم آزمایش را از سر می‌گذراند...»

رژیم شاه را وادار به عقب نشینی از صدور حکم اعدام کرد.

ولی شکنجه گران مصر بودند آنچه را که در نتیجه فشار افکار عمومی جهان قادر به انجامش نبودند، به شکلی محیلا نه تر و مزورانه تر عملی سازند. رفیق حکمت جو با درک این آزمون دشوار بود که در این باره نوشت: "زندان پایان کار یک انقلابی نیست. آغاز مرحله دشوار تری از تمرین و آموزش و تدارک و تجهیز برای نبردهای دیگر و تغییر دادن جهان است. یک مبارز تنها موقعی تمام می‌شود که باور کند دشمن از او قوی تر است. او با این خطا در حقانیت خود تردید کرده است و به این ترتیب او نه در چنگال‌های دشمن، بلکه به دست خود از پای درآمده است."

چنین است رسم و روش مبارزان واقعی خلق. اسطوره‌های دلآوری که آزمون دشوار انسانیت و انسان بودن را با سربلندی پشت سر گذاردند و در سختترین شرایط، آنجا که میان مرگ و زندگی خفت بار می‌بایستی انتخاب می‌کردند، راز دار خلق ماندند و بدین ترتیب جاودانه گردیدند. راه، روش و آموزش چگونگی انسان بودن

درهم شکست... این جمهوری... می‌رسم و گسیخته شد و دارندگان حساب‌های پس انداز ورشکست شدند. بازسازی ساختاری اقتصاد بنفع صاحب کاران تمام شد. غده سرطانی جنایی مافیایی شدت تقویت گردید، اخیراً، گارباچف در سمینار گروهی از سیاست‌شناسان اظهار داشت که: «ما بسوی حالت زائده مواد خام در حرکتیم». درک اینکه ما بسوی فاجعه روانیم رئیس جمهور را هم فرا گرفته است، ولی نه پشیمانی.

در همان سمینار میگرانیان در حالیکه نخستین و آخرین رئیس جمهور اتحاد شوروی را پشتیبانی می‌کرد، اظهار داشت: «بعضی از رهبران «انتخاب روسیه» آشکارا می‌گویند: «چه کسی گفته است کشور ما باید صنایع داشته باشد؟ و چرا چنین چیزی برای ما لازم است؟» مایکل داویدوی در کتاب خود به طرز متقاعد کننده اثبات می‌کند که حتی با «تفکر نوین» جایی در زیر آفتاب برای ما نخواهد بود. در «نظم نوین جهانی» جایی برای خویشتن‌اندان فقر که برای نشستن در آشپزخانه صندلی می‌طلبند وجود ندارد. آن‌ها را به آشپزخانه هم راه نمی‌دهند. بالاخره، آن طوری که روزنامه نگار آمریکایی می‌شمرد «چنان وابستگی اقتصادی - مالی به روسیه تحمیل خواهند کرد که نیازی به کنترل سیاسی آن نخواهد بود».

درک اینکه زیر مفهوم «نظم نوین جهانی» چه چیزی پنهان است، موضوعی زنده و مهم است، همان نظمی که ابتدا موجب فروپاشی اتحاد شوروی شد، اینک روسیه را ویران می‌سازد. کشورهای مستقل

## "راز دار خلق ..."

پرویز در سال ۱۳۰۶ متولد شد و در سن ۲۵ سالگی، به عنوان یکی از افسران خلبان به سازمان افسری حزب توده ایران پیوست و در مکتب سیامک‌ها، روزبه‌ها، کیوان‌ها و ... پرورش یافت. با کودتای ننگین ۲۸ مرداد و شکست جنبش ملی شدن صنعت نفت، حکمت جو مجبور به مهاجرت شد و مبارزه خود را در صفوف حزب در خارج از کشور ادامه داد. در سال ۱۳۴۳ از نخستین کسانی بود که به همراه رفیق خاوری برای احیا و بازسازی سازمان‌های ضربه خورده حزب به میهن بازگشت.

در پی بازگشت رفقا به ایران، دیری نپایید که ساواک از طریق عباس شهریاری جاسوس خود توانست به آنان دست یابد و آنان را به بند کشد. شکنجه‌های وحشیانه و تلاش شبانه روزی شکنجه گران برای درهم شکستن روحیه قهرمانانه و رزمجویانه رفقا با شکست کامل روبرو گردید و دفاعیات درخشان این رفقا در بیدادگاه‌های شاهنشاهی موجی از همبستگی بین المللی را برانگیخت و

## خانه خود بخود ...

تلیغات رادیویی و اقدامات خرابکارانه «همبستگی» و جدایی طلبان اوکراین، طرفداران «گامزخوردیا» و یا «عمال نفوذی» گردیده است. ولی ترازوی فروپاشی اتحاد شوروی به آن خاطر عظیم است که نه تنها بدست نیروهای خارجی، بلکه با کمک نیروهای داخلی بوقوع پیوست.

امروزه رسانه‌های گروهی جهان وطن و طرفدار آمریکا، سعی دارند افکار عمومی مردم روسیه را متقاعد کنند که فروپاشی «امپراطوری» شوروی ناگزیر بود. روزنامه نگار آمریکایی دلایل خود را اقامه می‌کند، او می‌گوید: «خانه خود بخود آتش نگرفت، کسی بزین ریخت و کبریت به آن زده است». از این رو نوشته‌های داویدوی، به مثابه پژوهش تاریخی ترازوی اعمال گارباچف و طرفداران او و امضا کنندگان سند بلوژسکی (قرارداد منعقد بین روسای جمهور روسیه، بلاروس و اوکراین که نقطه پایان بر اتحاد شوروی سوسیالیستی گذاشت - مترجم)، و علل روی کار آمدن نیروهای ضد سوسیالیستی و ضد ملی زیر هياهو حقوق بشر، گلاسنوست و پلورالیسم، جالب توجه است.

مایکل داویدوی می‌نویسد: «کسانی که امروز آرزوی سوئد روسی» را در سر می‌پرورانند در دنیای اوهام بسر می‌برند. در نتیجه سیاست جنایتکارانه آزاد سازی قیمت‌ها و «جش بزرگ» به بازار آزاد که از طرف گایداری اعمال شد، ستون فقرات صنایع نظامی را

## تلفن موبایل و آمبولانس هوایی در جمهوری اسلامی

در بخش مخابرات لایحه بودجه سال ۷۳ آمده است که:

در سال جاری توسط بخش دولتی ۷۰۰/۰۰۰ و بخش غیردولتی ۵۸/۰۰۰ تلفن موبایل راه اندازی خواهد شد، و دیگر اینکه اولین آمبولانس هوایی کشور با تجهیز یک فروند هواپیمای «فالکن ۲۰» کار خود را آغاز کرد.

در اینکه استفاده از پدیده ها و امکانات مدرن و پیشرفته جهت ارتقای سطح زندگی مردم کشور ضروریست، شکی نیست. ولی این سؤال مطرح است در کشوری که هنوز میلیون ها خانواده از امکان دسترسی به تلفن معمولی محرومند، در کشوری که بخش عظیمی از ساکنین روستاهای آن حتی از طریق جاده به مراکز درمانی دسترسی ندارند و می بایست بیماران خود را با پای پیاده یا با اسب و الاغ به نزدیک ترین جاده اتومبیل رو رسانده تا از آنجا به مراکز درمانی بروند، چه کسانی توانایی پرداخت ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال حق اشتراک تلفن موبایل و یا هزینه استفاده از آمبولانس هوایی را دارا هستند. آیا این سرمایه گذاری های دولت ایجاد تسهیلات بیشتر برای تکنوکرات ها و مسؤولین درجه اول، دلالت ارز و بازاریان نیست که تنها ابزار کارشان تلفن است. آیا آمبولانس هوایی برای استفاده همین گروه که در کمال وقاحت ادعا می کنند دولت شان حامی طبقات آسیب پذیر است، نیست.

## عقب نشینی رژیم "ولایت فقیه" در رابطه با مسئله "سه جزیره خلیج فارس"

محمود محمدی سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی روز دوشنبه ۱۶ خرداد ماه اعلام کرد که جزایر سه گانه مورد اختلاف در خلیج فارس به ایران تعلق دارد ولی جمهوری اسلامی آماده مذاکره بدون قید و شرط با امارات متحده عربی درباره اختلافات خود در مورد این جزایر است.

رژیم اسلامی طی دو سال اخیر و قبل از این سخنان، تنها حاضر بود تا راجع به مالکیت مشترک جزیره "ابوموسی" با امارات متحده عربی مذاکره کند و مسئله حاکمیت جزایر تنب بزرگ و کوچک را قابل مذاکره نمی دانست. آخرین موضعگیری رسمی جمهوری اسلامی در این زمینه، سخنان ناطق نوری در سوم خرداد ماه بود که اعلام داشت "جمهوری اسلامی آماده است درباره مالکیت جزیره ابوموسی با امارات متحده عربی بطور مستقیم مذاکره کند". که بلافاصله با عکس العمل شیخ زاید آل نهیان، رئیس امارات متحده عربی روبرو شد. وی پیشنهاد جمهوری اسلامی را "ناقص" توصیف کرد و گفت کشور متبوعش خواهان مذاکره درباره هرسه جزیره است.

عقب نشینی آشکار رژیم "ولایت فقیه" از مواضع قبلی خود درباره سه جزیره مورد بحث، درست یک روز پس از پایان اجلاس وزرای امور خارجه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس انجام



گرفت. وزرای امور خارجه عربستان سعودی، کویت، بحرین، قطر، عمان و امارات متحده عربی طی بیانیه مشترکی که در تاریخ ۱۵ خرداد ماه انتشار یافت، "تأسف خود را در حودتداری ایران از دست پاسخی به پیشنهاد های مکرر امارات متحده عربی برای انجام مذاکرات مستقیم و جدی به منظور پایان دادن به اشغال سه جزیره" ابراز داشتند.

## اعتراض حوزه علمیه اصفهان به "مرجعیت" خامنه ای

مجله عربی زبان "الحوادث"، چاپ لندن، در یکی از شماره های اخیر خود متن نامه حوزه علمیه اصفهان خطاب به علی مشکینی، رئیس مجلس خبرگان رژیم را در اعتراض به "مرجعیت" علی خامنه ای منتشر کرد.

حوزه علمیه اصفهان در نامه خود از خامنه ای به عنوان "حجت الاسلام" یاد کرده و ضمن اشاره به نامه علی مشکینی درباره "مرجعیت" خامنه ای می نویسد که این موضوع "با انتقادات سخت بسیاری از صاحب نظران و علاقمندان به انقلاب اسلامی که توجه آنها معطوف حوزه های علمیه بوده" روبرو شده است.

حوزه علمیه اصفهان سپس با انتقاد از مجلس خبرگان که از میان "جمع ۱۱۰ هزار نفری" روحانیت، فقط "یک عده ۳۰ - ۲۰ نفری" را برای بحث درباره منافع خود و منافع امت" انتخاب کرده که "نظر واحدی ابراز دارند و نظر دیگران را که با آن ها هم عقیده نیستند، نادیده بگیرند"، "اهلیت" خامنه ای را برای مداخله در "مسائل فقهی" رد کرده و در نامه خود چنین نوشته است:

"بر خلاف برخی اشاره های زودگذر، اجتهاد آقای خامنه ای هرگز مورد تأیید امام... قرار نداشته است، حتی می توان گفت که آیت الله خمینی به آقای خامنه ای هشدار داده بود چه در گفتار و چه در رفتار فکر چنین چیزی را به سر راه ندهد". حوزه علمیه اصفهان در پایان نامه مفصل خویش چنین نوشته است:

"... حال اگر آقایان علما می خواهند رهبری انقلاب را به آقای خامنه ای بسپارند و در لگن بیعت از او هستند این نیاز به صدور اعلامیه ای جدید آن هم بعد از ۵ سال ندارد. اما اگر با این کارها قصد متزلزل ساختن پایه های مرجعیت شیعه را دارند باید

بدانند که اولاً پایه های ساختمانی را به تزلزل در آورده اند که خود به اعتبار آن به مقام کنونی رسیده اند و دوم این که تاریخ ادیان و به ویژه تاریخ شیعه نشان داده است که بازی با ایمان و عقاید مردم عاقبت خوبی برای هیچ دستکاه دولتی نداشته است... بگذارید که شیعیان به راه خود که از هزار سال پیش متداول بوده است، ادامه دهند و حرمت مقام مرجعیت را در ایران نگاه دارید".

## مدیر عامل "آرکو" در تهران

خبرگزاری آسوشیتدپرس گزارش داد که "مارلان داوئی"، رئیس شرکت "نفت و گاز بین المللی آرکو"، یکی از بزرگترین شرکت های نفتی آمریکا، عازم ایران شد تا درباره سرمایه گذاری احتمالی در طرح های اکتشاف و تولید مشترک نفت با مقامات جمهوری اسلامی مذاکره کند.

"مارلان داوئی" قبل از سفر خویش به تهران، طی يك تماس تلفنی با خبرگزاری آسوشیتدپرس اظهار داشت که "سفر او به ایران صرفاً باید يك دیدار حسن نیت تلقی شود" وی ادامه داد که "من مایل هستم با همه مقامات بالا در مناطق تولید کننده نفت آشنا شوم".

در رابطه با این سفر، خبرگزاری اقتصادی "داوجونز" از قول منابع نزدیک به وزارت نفت ایران گزارش داد که شرکت "آرکو" ماهیاست با جمهوری اسلامی مشغول مذاکره است تا اجازه اکتشاف نفت در خلیج فارس را بدست آورد.

## تلاش برای بهبود روابط با مصر

علی اکبر ولایتی که برای شرکت در اجلاس وزرای امور خارجه کشورهای غیر متعهد به مصر سفر کرده بود، با عمرو موسی، وزیر امور خارجه این کشور به مدت یک ساعت در قاهره دیدار و گفتگو کرد.

وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی بلند پایه ترین مقام حکومتی ایران است که طی پانزده سال اخیر به مصر سفر کرده است. وی پس از ملاقات با عمرو موسی طی مصاحبه ای گفت که "ایران و مصر باید برای رفع اختلافات کوشش کنند".

ولایتی افزود که هر دو کشور "خواهان همکاری نزدیک تر" هستند. وی در این مصاحبه حاضر نشد تا به سوالات خبرنگاران پیرامون چگونگی "روابط ایران و مصر" پاسخ گوید.

سفر ولایتی به مصر عکس العمل های گوناگونی را در مقامات حکومتی در پی داشت. در حالیکه علی اکبر ناطق نوری در یک کنفرانس مطبوعاتی در تهران و قبل از سفر ولایتی به مصر، موافقت جناح خویش را با ملاقات وزیر امور خارجه با همتای مصری اش اعلام کرده و ابراز امیدواری نموده بود که با "رفع ذهنیت غلط" مقامات مصری با "رفع مشکلات"، روابط دو کشور در آینده بهبود یابد، روزنامه "جمهوری اسلامی" (روزنامه "ولی فقیه") در فردای بازگشت ولایتی به تهران، حتی شرکت وی در اجلاس وزرای امور خارجه کشورهای غیر متعهد را بشدت مورد انتقاد قرار داد و این سفر را "دست بخت جناحی در داخل وزارت خارجه" دانست که به "برقراری رابطه با قاهره" تمایل دارند.

## ارزیابی گذرایی از نتایج انتخابات برای پارلمان اروپا

هفته گذشته انتخابات پارلمان اروپا در کشورهای عضو شورای اروپا برگزار گردید. نتیجه انتخابات که تاکنون اعلام شده است، در کشورهای مختلف از یک سو نشانگر رشد نیروهای مخالف قرار داد ماستریخت، و از سوی دیگر رشد نسبی نیروهای افراطی راست در برخی کشورها خصوصاً در ایتالیا، اسپانیا و فرانسه بود. روند دیگری که از نتایج بدست آمده مشاهده می شود، سقوط درصد آراء احزاب حاکم در اکثر کشورهای عضو، بجز آلمان و ایتالیا می باشد.

**بریتانیا،** حزب محافظه کار بدترین نتایج انتخاباتی خود در تاریخ معاصر این کشور را بدست آورد و درصد آرایش به ۲۸٪ سقوط کرد. حزب کارگر در یک پیروزی بی سابقه درصد آراء خود را به ۴۹٪ افزایش داد و از ۸۷ کرسی متعلق به انگلستان در پارلمان اروپا نزدیک به ۶۰ کرسی را از آن خود نمود. در اسپانیا حزب سوسیالیست شکست سنگینی در مقابل نیروهای راست متحمل گردید و در مقابل بیش از ۴۰٪ آراء حزب مردمی (محافظه کار) تنها توانست ۳۰٪ آراء را به خود اختصاص دهد. در اسپانیا همچنین ائتلاف نیروهای چپ "اسکوریدا یونیدا" توانست آراء خود را دو برابر کرده و بیش از ۱۳/۴۵٪ آراء را به خود اختصاص دهد.

**ایتالیا،** سیلیو برلسگونی میلیاردر ایتالیایی و صاحب اکثر کانال های تلویزیونی و نخست وزیر این کشور، و نیروهای موفف با او که اکثر آراء نو فاشیست ها و نیروهای افراطی راست تشکیل می گردند، توانستند آراء خود را نسبت به انتخابات ماه مارس به نسبت قابل توجهی افزایش دهند. آراء حزب عمده اپوزیسیون در ایتالیا یعنی حزب سوسیالیسم دموکراتیک ( حزب کمونیست سابق)، در مقایسه با انتخابات گذشته به میزان ۲٪ نزول پیدا کرد.

**فرانسه،** اختلافات درونی در حزب سوسیالیست و نارضایتی گروه نسبتاً بزرگی در درون حزب از سیاست های اتخاذ شده از سوی میشل روکارد، به شکست سنگینی برای سوسیالیست ها در این کشور منجر گردید و حزب سوسیالیست تنها توانست ۱۵٪ آراء را نصیب خود کند. نیروهای فاشیست و نوفاشیست در اشکال "اتحادیه برای دموکراسی فرانسه" و "جبهه ملی" (لین) توانستند ۱۲٪ و ۵٪ و ۹/۵٪ آراء را به خود اختصاص دهند. آراء حزب کمونیست فرانسه در این انتخابات ۶٪ پیش بینی می شود.

**آلمان،** حزب دست راستی هلموت کهل توانست علی رغم پیش بینی های قبلی با بدست آوردن نزدیک به ۴۰٪ آراء حزب سوسیالیست این کشور را شکست دهد. نتیجه انتخابات برای سوسیالیست ها که امیدوار بودند در انتخابات سراسری آلمان در اکتبر سال جاری به قدرت سیاسی دست یابند بسیار نگران کننده و غافلگیر کننده بود. میزان آراء سوسیالیست ها از ۳۷/۳٪ در سال ۱۹۸۹ به ۳۲/۵٪ در انتخابات جاری تنزل پیدا کرده است. بزرگترین بازنده انتخابات در آلمان حزب موفف هلموت کهل، یعنی حزب "دموکرات های آزاد" بود که حتی نتوانست به حد نصاب تعیین شده برای اعزام نماینده به پارلمان



اروپا، یعنی ۵٪ آراء دست یابد. نکته دیگری که در انتخابات آلمان جلب توجه می کند، حد نصاب بالای آراء بدست آمده توسط حزب سوسیالیسم دموکراتیک (حزب سوسیالیست متحده سابق در آلمان دموکراتیک) در بخش شرقی آلمان بود. بر اساس پیش بینی های انجام گرفته حزب سوسیالیسم دموکراتیک خواهد توانست بیش از ۲۰٪ آراء در بخش شرقی آلمان (چه در انتخابات پارلمان اروپا و چه در انتخابات محلی) را از آن خود کند.

**یونان،** حزب سوسیالیست پاسوک با کسب ۳۷/۵٪ آراء به پیروزی رسید و کمونیست ها توانستند با کسب ۶٪ آراء دو نماینده به پارلمان اروپا اعزام کنند.

**پرتغال،** سوسیالیست ها توانستند با کسب ۳۴/۸۳٪ آراء، در مقابل ۳۴/۲۸٪ آراء بدست آمده توسط حزب دست راستی سوسیال دموکرات به پیروزی دست یابند. بر اساس پیش بینی های ناظران سیاسی اگرچه هنوز بزرگترین بلوک سیاسی واحد در پارلمان آینده اروپا، بلوک سوسیالیست ها با ۱۹۵ کرسی خواهد بود ولی در مجموع طیف وسیع نیروهای راست گرا، نوفاشیست و فاشیست با کسب نزدیک به ۲۰۶ کرسی توازن نیرو در پارلمان اروپا را به نفع نیروهای راست تغییر داده اند.

## فرانسه

اخیراً وزارت دفاع فرانسه «کتاب سفید» خود را منتشر ساخت. از مندرجات کتاب چنین بر می آید که جهان نا آرام است و آرامشی قابل پیش بینی نیز وجود ندارد. کتاب مزبور «خطرات نو» تهدید کننده امنیت فرانسه را بر می شمارد. از جمله این خطرات «انفجار جنگ در کشورهای بالکان، وضع خطرناک پروخامت در اروپای مرکزی و خاوری، آینده ناروشن تحولات روسیه و کشورهایی که از اتحاد شوروی سابق بیرون آمده اند، گسترش سلاح های عادی و ابزار امحاء دسته جمعی در جهان، ایجاد زراد خانه های اسلحه شیمیایی و باکتریولوژیک، اوجگیری حرکات افراطی ناسیونالیستی و مذهبی...» می باشد.

بدین مناسبت فرانسه لازم می بیند که در سال های بین ۲۰۰۰-۱۹۹۵، مبلغ ۶۱۳ میلیارد

فرانک برای خرید اسلحه و تجهیزات نظامی ارتش هزینه کند (مبلغ ۴/۱۰۰ میلیارد فرانک در سال ۱۹۹۴ برای این مقصد بودجه تعیین شده است). در سال ۱۹۹۵ بودجه نظامی فرانسه بالغ بر ۶۰۶ میلیارد فرانک و در سال ۲۰۰۰ به ۵۷۹/۵ میلیارد فرانک بالغ خواهد شد. فرانسه انتظار صلح عمومی را در قرن بیست و یکم ندارد. و مصمم است طی سال های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ زرادخانه هسته ای خود را با نسل جدید سلاح های هسته ای تعویض نماید. در سال ۱۹۹۸ دومین ناو هواپیمابر اتمی و رزمناو موشک انداز ساخته خواهد شد.

اگر هم «جنگ سرد» و «خطر کمونیسم» برای غرب پایان یافته باشد ولی تا امپریالیسم باقی است تضادهای کشنده جهان آنها برای دستیابی به سودهای هرچه کلان تر و تصرف بازارهای استثمار و استعمار نوین را پایانی نیست.

## سرقت و خرید و فروش اعضای بدن انسان ها

سرقت و خرید و فروش اعضای بدن انسانها، تنها ارمغان امپریالیسم آمریکا برای کشورهای آمریکای لاتین می باشد.

چندی پیش با نمایش یک فیلم مستند که توسط یک اکیپ فرانسوی تهیه و در شبکه های تلویزیونی برخی کشورهای اروپایی به نمایش گذاشته شد پرده از جنایت دیگری که توسط سوداگران بخش پزشکی آمریکا صورت می گیرد، برداشته شد.

در این فیلم نشان داده شد که چگونه کلینیک های خصوصی آمریکا با همکاری مسولین یک بیمارستان، چند پرورشگاه و یک بیمارستان روانی در پرو سالیان درازی، اعضای سالم بیماران فقیر، کودکان بی سرپرست و بیماران روانی را از بدن آن ها خارج کرده و پس از انتقال آن ها به کلینیک هایی در یک شهر مرزی در شمال مکزیک با قیمت های گزاف به بیماران ثروتمند محتاج به پیوند اعضای بدن می فروختند.

چندی پیش نیز دولت آرژانتین رسماً به مساله خرید و فروش اعضای بدن کودکان در این کشور اعتراف نمود. این اعتراف پس از انتشار گزارش مستندی بود که توسط اکیپ خبرنگاری "بی. بی. سی" تهیه شده بود. در این گزارش به دو مورد مشخص اشاره شده است. در مورد اول چشم کودکی از حدقه در آورده شده و در مورد دوم کلیه کودک دیگری از بدنش خارج شده است. تلاش های انجام شده جهت تماس با والدین کودکان بی نتیجه بوده و والدین هر دو کودک ناپدید شده اند. چنین بنظر می رسد که والدین این کودکان بدلیل فقر و نیازهای مالی اقدام به فروش اعضای بدن کودکان خود کرده اند.

می کند: «از عوامل دیگری که ضربه به تولیدات داخلی زده واردات بی رویه محصولات نساجی از مناطق آزاد تجاری قشم و کیش می باشد که تاکنون برنامه ریزی دقیقی برای جلوگیری از این عمل نشده است... و از آنجایی که قانون جدید تعرفه های گمرکی شامل مناطق آزاد نخواهد شد، پیش بینی می شود لطمه به تولیدات داخلی از طریق واردات از این مناطق همچنان ادامه یابد». پاک سرشت نیز مانند

قطب های صادرکننده پنبه در سطح جهان بوده، زبان بزرگی است».

طبق آمار موجود، تنها در طول دهه ۶۷-۱۳۵۸، حدود ۶ میلیارد دلار ارز برای واردات مواد اولیه این صنعت و پارچه صرف شده در حالیکه طی این مدت فقط ۵۰۰ میلیون دلار برای ماشین آلات این صنعت سرمایه گذاری شده است.

مهندس سید صادق آل یاسین، مدیرکل

ورشکستگی فزاینده صنایع ملی و داخلی ایران در دوران پس از انقلاب، یکی از مهمترین جنبه های سیاست فاجعه بار اقتصادی درهای باز رژیم جمهوری اسلامی، و به ویژه دولت هاشمی رفسنجانی طی سال های اخیر بوده است. امروز ابعاد فاجعه به جایی رسیده است که حتی مدیران صنایع در بخش خصوصی نیز علیه سیاست های اقتصادی رژیم به اعتراض برخاسته اند. بحران موجود در صنایع تولید پنبه و نساجی کشور نمونه گویای این واقعیت است.

نشریه «کار و کارگر»، طی یک مقاله دنباله دار که در شماره های ۲۰ و ۲۱ اردیبهشت ۱۳۷۳ آن به چاپ رسید، ابعاد فاجعه همه گیر در صنایع نساجی کشور را از زبان مدیران بخش خصوصی و برخی مسئولان دولتی به وضوح بیان می کند. این نشریه به نقل از آل اسحاق، وزیر بازرگانی جمهوری اسلامی، می نویسد: «... صنعت نساجی کشور به دلایل گوناگون نتوانسته است با تحولات بین المللی و پیشرفت های تکنولوژیکی مطابقت کند و حد نصاب صادرات منسوجات، ۵۰ میلیون دلار در سال را حفظ کند.» نکته کلیدی در این گفته وزیر بازرگانی رژیم، عبارت «به دلایل گوناگون» است که جناب وزیر خود نیز «به دلایل گوناگون» از دادن توضیح بیشتر در مورد آن طفره رفته است! اما توجه به گفته های دیگر دست اندرکاران صنایع نساجی کشور، این «دلایل گوناگون» را به خوبی روشن می کند.

بنا به گفته اسدالله پاک سرشت، مدیرعامل شرکت تعاونی کارخانجات پنبه پاک کنی استان مازندران، «تولید خالص سالانه پنبه در سال های قبل از انقلاب ۲۵۴ هزار تن بود که ۱۰۰ هزار تن آن در داخل مصرف و بقیه به خارج صادر می شد. در حالیکه در حال حاضر تولید سالانه پنبه در ایران بین ۹۰ تا ۱۰۰ هزار تن است که این مقدار پاسخگوی نیمی از نیاز داخلی است». طبق گفته پاک سرشت، در استان مازندران، که هفتاد درصد محصول پنبه کشور را تولید می کند، «از ۴۳ واحد پنبه پاک کنی این استان که زمانی با ظرفیت ۴۰۰ هزار تن و پنبه مشغول فعالیت بودند، در حال حاضر با یک سوم ظرفیت قبلی کار می کنند». به نظر او «عدم سرمایه گذاری لازم و جایگزین نکردن ماشین آلات جدید طی چند دهه اخیر و در نتیجه قدیمی و فرسوده شدن ماشین آلات و قطعات آن» عامل اصلی این کاهش شدید در تولید پنبه کشور بوده است. به گفته وی، «ورود بیش از ۵۰۰ میلیون متر پارچه که بخش قابل توجهی از آن در قالب پوشاک آماده به دست مردم می رسد تاثیر ناخوشایندی بر اقتصاد کشور و بخصوص صنعت دیرپای نساجی در ایران گذاشته است... در سال ۱۳۷۰... معادل ۲۰۰ میلیون دلار فقط برای تامین ۵۰ درصد نیاز صنایع نساجی به مواد اولیه، از کشور خارج شده است و این برای کشوری که زمانی از

## سیاست های اقتصادی رژیم صنایع تولید پنبه و نساجی کشور را به سمت ورشکستگی کامل سوق داده است!

طباطبایی معتقد است که «تک نرخی شدن ارز از مشکلات دیگر این صنعت است که سبب بالا رفتن هزینه های تولید و پایین آمدن قدرت خرید شده است... صنعت پنبه کشور نیاز به بازسازی دارد و این بازسازی احتیاج به صنایع تکمیلی و بخصوص لوازم یدکی دارد که این کار هم به هیچ عنوان با ارزهای شناور برای دست اندرکاران امکان پذیر نیست».

اما، در حالیکه اغلب کارشناسان و مدیران صنعت نساجی، سیاست های اقتصادی دولت را عامل اصلی وضعیت اسفبار موجود می دانند، مسئولان رژیم، از جمله مهندس سید صادق آل یاسین، دست به تحریف واقعیات می زنند و بر اساس سیاست همیشگی دولت، کارگران را در این امر مقصر می شناسند. مهندس آل یاسین، با وجود اطلاع از واقعیات غیرقابل انکاری که خود بخشاً از آنها یاد کرده است، مدعی است که «برای حل مشکل صنایع نساجی، باید واحدهای نساجی دولتی به بخش خصوصی واگذار شود و این انتقال باید با دادن سوبسید از سوی دولت انجام گیرد چرا که تمامی واحدهای تولید «بیمار» هستند و نخستین بیماری این واحدها وجود تعداد زیاد کارگران غیرمتخصص است که تورم نیروی غیرمتخصص را به وجود آورده است. سندیکای صنایع نساجی ۲۵۰ کارخانه و ۴۲۷ هزار کارگر را تحت پوشش دارد که در واقع ۲۵ تا ۳۰ درصد این کارگران مازاد بر نیاز واقعی هستند!»

باید متصفانه اذعان کرد که مسئولان و سرمداران رژیم «ولایت فقیه» اگر در اداره امور اقتصاد و صنایع کشور به شکست بی چون و چرا رسیده اند، حداقل توانسته اند «صنعت شعبده بازی و تحریف حقایق» را در کشور به اوج تازه ای برسانند!

صنایع نساجی و پوشاک وزارت صنایع، می گوید در حال حاضر «از ۴۰ هزار دستگاه ماشین موجود در صنایع نساجی کشور، نزدیک به ۴۰ درصد آنها سالها است که مستهلک شده و بازده اقتصادی ندارند و از بقیه ماشین آلات نیز به خوبی استفاده نمی شود». وی سپس با اشاره به میزان واردات پارچه طی سالهای ۶۵-۱۳۶۲ اضافه می کند: «طی این سال ها ۵ میلیارد دلار پارچه و اقلام مختلف نساجی وارد کشور شده در صورتیکه اگر نصف این پول را ماشین آلات صنعت نساجی وارد می کردیم، علاوه بر اینکه کمبود نداشتیم، صادرکننده پارچه نیز می شدیم. در آن زمان پارچه که یک بار مصرف دارد وارد می شد در صورتیکه با آن سرمایه می شد اشتغال ۴۰ سال آینده در این رشته را پایه گذاری کرد». آل یاسین سپس به مقایسه ارقام مربوط به صادرات نساجی ایران با برخی کشورهای دیگر می پردازد و می گوید: «در سال ۱۳۷۱ صادرات محصولات نساجی و پوشاک ایران معادل ۱۰۰ میلیون دلار بوده است در حالیکه در همین سال ترکیه ۳/۷ میلیارد دلار، هند ۴/۷ میلیارد دلار و کره جنوبی ۱۶ میلیارد دلار از صادرات این محصولات کسب درآمد کرده اند».

«دلایل گوناگون» این وضعیت فاجعه بار در صنایع نساجی کشور کدام اند؟ برای یافتن پاسخ به گفته های برخی مدیران و کارشناسان صنعت نساجی توجه می کنیم:

به گفته طباطبایی، کارشناس صنایع صنعت نساجی، «لازمه تمام سرمایه گذاری ها در صنایع پنبه و بازسازی کارخانجات نساجی تامین ارز است که بخش خصوصی توان تامین ارز شناور و ارز آزاد را ندارد».

اسدالله پاک سرشت، برای این وضعیت دلایل گوناگونی را بر می شمرد که مهمترین آنها، «عدم توجه جدی دولت به سرمایه گذاری های انجام شده در زمینه صنعت پنبه، نساجی، ریستدگی و بافندگی» است. وی سپس اضافه

## کنفرانس کشورهای عضو جنبش غیر متعهدها

گسترش ترکیب شورای امنیت سازمان ملل متحد، با شرکت یافتن نمایندگان کشورهای "جهان سوم"، بیان داشت. این خواست کاملا مفهوم و منطقی است، زیرا پس از فروپاشی اتحاد شوروی، غرب، شورای امنیت را در اختیار انحصاری خود دارد و از این نهاد به نفع خود سودجویی می کند. کنفرانس، کشورهای پیشرفته صنعتی را متهم ساخت که سیاست پروتسکیونیسم (حمایت از صنایع داخلی خود) را، مخفیانه به پیش می برند.

کنفرانس قاهره نشان داد که جنبش کشورهای غیرمتعهد، هرچه بیشتر به سمت یک اتحاد کشورهای محروم در مقابل جهان زر و زور گرایش پیدا می کند.

کشورهای درحال توسعه و علیه تسلط غرب کنار بگذارد و یا اینکه آن را در جهان پس از جنگ سرد بی ربط بداند.

نماینده اندونزی، نانا ساترنا، نظر دیگری را که قاعدتا منعکس کننده واقعیات حاکم بر روابط کشورهای "جهان سوم" و کشورهای امپریالیستی است، این چنین بیان کرد. "دوران استعمار، به صورت ظاهر، پایان پذیرفته است، ولی عملا تلاش برای تسلط و استثمار همچنان ادامه دارد".

عمدات درکنفرانس وظیفه دفاع از حقوق کشورهای "فقیر" در قبال تجاوز کشورهای "ثروتمند" به عنوان وظیفه عمده شناخته شد.

کنفرانس تمایل خود را به

کاسته شد. در کنفرانس نمایندگان بیش از ۱۰۰ کشور وظایف عمده جنبش و مسائل مبرم جهانی را مورد بحث قرار دادند.

جنبش مزبور از آغاز پیدایش خود در سال ۱۹۶۱ به مثابه عکس العمل کشورهای جوان مستقل به "جنگ سرد" و تقسیم جهان به دسته بندیهای نظامی متقابل، خصلت آشکارا ضد غربی داشت، زیرا خطر عمده تهدید کننده حاکمیت کشورهای "جهان سوم" از جانب کشورهای استعماری سابق، وجود داشت و عمل می کرد.

حسنی مبارک، میزبان اجلاس رسماً و صراحتاً خواستار شد که جنبش نقش سنتی خود را در دفاع از

اجلاس وزرای خارجه کشورهای عضو جنبش غیرمتعهدها که امسال در قاهره برگزار گردید، پس از چهار روز بحث و گفتگو، در اواسط خرداد ماه پایان پذیرفت. فروپاشی کشورهای سوسیالیستی شوروی و اروپای شرقی و تغییرات پایه ای در موازنه نیروهای جهانی، جنبش کشورهای غیرمتعهد را، در سال های اخیر، با بحران هویتی و ساختاری روبرو ساخته است. اگر در سالهای ۷۰ میلادی جنبش غیرمتعهدها وزنه عمده ای را در سازمان ملل متحد و یا توازن نیروی بین المللی به نفع جنبش های آزادیبخش ملی ایفا می نمود، در دهه ۸۰، ابتدا به دلیل شکاف حادث در صفوف این جنبش بخاطر جنگ ۸ ساله بین دو عضو این جنبش - ایران و عراق - و سپس بحران در کشورهای شوروی و شرق اروپا و اختلافات داخلی بین اعضای موثر جنبش، عمده انرژی آن به هدر رفته و از تاثیر تصمیم گیری های آن

## اجلاس احزاب ...

را تقدیس می کند که در طلب سود بیشتر برای شرکت های بزرگ است.

شرکت کنندگان در اجلاس معتقدند که انتخابات جاری پارلمان اروپا که در آن هر حزبی با برنامه خودش و با سیاست ویژه ائتلاف هایش در آن شرکت خواهد نمود، فرصتی برای یک مبارزه مهم سیاسی در دفاع از مردم زحمتکش، از شهروندان و از دموکراسی خواهد بود.

اجلاس در جوی رقیقانه برگزار شد، منظور از برگزاری آن اخذ تصمیمات، در مورد مسایلی که مورد بحث قرار گرفت، نبود. ولی این فرصتی موثر و مفید برای تبادل اطلاعات و نقطه نظرها را فراهم آورد و مسیرهایی را برای توسعه همکاری های آینده بین احزاب شرکت کننده و همچنین دیگر نیروهای مترقی باز نمود.

\*\*\*

تاکید کرد و اهمیت تقویت اتحادیه های کارگری را که بطور ریشه ای با منافع و خواست های طبقه کارگر در هر کشور و در سطح جهان همراه هستند، خاطر نشان نمود.

شرکت کنندگان در اجلاس در مورد روند کنونی «ساختمان اروپا» که منافع گروه های اقتصادی بزرگ بر آن نفوذ و تسلط دارد، تبادل نظر کردند. شرکت کنندگان در اجلاس در مورد عواقب و نتایج منفی رهنمودهای نئولیبرالی که در قرارداد ماستریخت ابراز شده است، و وسیعا توافق نظر داشتند. در مورد اهمیت اقدامات هماهنگ و ابتکارات مشترک توسط کارگران و نیروهای ترقیخواه علیه بیکاری و در راه اروپایی که در آن همه ابعاد اجتماعی توسعه در نظر گرفته شده و ترویج شود، درک عمومی و مشترکی وجود داشت.

«کتاب سفید» درباره «رشد، رقابت و اشتغال» پاسخگوی چنین نیازی نیست. بلکه سیاستی

و نا مطمئن اشتغال، پایین رفتن ارزش نیروی کار و تهاجم عمومی علیه حقوق و دستاوردهای کارگران و علیه خدمات عمومی و تامین اجتماعی شهروندان، مبذول گردید. این تهاجم، بویژه، بر حقوق زنان، جوانان و کارگران مهاجر تاثیر می گذارد و با تظاهر نگران کننده نژاد پرستی، بیم از بیگانه، ناسیونالیسم و نیز با استثمار ظالمانه مردم جهان سوم همراه می باشد.

با چنین سیاست هایی سعی می شود کارگران و مردم را وادارند که بهای این بحران و رقابت حاد در سطح بین المللی بین انحصارات فراملی و بلوک های عمده اقتصادی جهان را بپردازند.

اجلاس بر اهمیت مبارزات وسیع توده ای در کشورهای مختلف اروپا علیه سیاست های ضد مردمی

## «نه به قدرت، ...»

قیمت آزاد بفروش برسانیم».

فدیف از ناحیه پرولتارسکی - تاگانسکی چنین می گوید: «هنگام کارزار انتخابات زد و خورد خواهد شد و نقض نظم عمومی، خون ریخته خواهد شد. چه کسی در دادگاهها دفاع را بعهده خواهد گرفت؟ چه کسی جریمه ها را خواهد پرداخت و در مقابل قانون بدفاع از (چاقو کشان) خواهد پرداخت؟»

در این هنگام از هیئت رئیسه جلسه این چنین پاسخ شنیده می شود: «برای اینکه جریمه ها را بپردازیم، پول داریم. فهرست ۳۰ وکیل مدافع آماده است که از آدم های ما که گرفتار می شوند، دفاع خواهند کرد».

بازنشستگی پذیرفته شده است. و دو روز بعد، گارباچف در دیدار با کارکنان روزنامه «پراودا» سردبیر جدید روزنامه، آکادمیسین، فرالوف را به آنان معرفی کرد.

این امر برای پدر من شکستی بود... او به این ترتیب می دانست که فروپاشی کشور از «بالا» رهبری می شود و او نیروی مقابله با آن را در خود نمی دید.

و همین امر ضربه روحی شدیدی به او وارد آورد. من به نسل پدرانمان: آن هایی که پاکبازانه عمل کردند، شریف بودند، خطر کردند و آنچه از دستشان برمی آمد برای کشور انجام دادند، احترام می گذارم».

الگا آفاناسیونا

سند تند نویسی این کنفرانس بدست سردبیر روزنامه «پراودا» می افتد و او با اعتقاد به اینکه کارش برای رهبری عالی مفید واقع می شود حمله متقابل از تدابیر مشخص برای خنثی کردن قصد این گروه در ایجاد بی ثباتی اوضاع کشور و دستیابی به قدرت تدارک دیده بود. آفاناسیف سند تهیه شده را در جلسه دیدار «گارباچف» با سردبیران روزنامه ها و مجلات به وی می دهد. «گارباچف»، بشکلی کاملا مشهود، سریعاً سند را از نظر گذراند و رنگ از رخسارش پرید و از سالن خارج شد. در پی او «کاردینال خاکستری»، معمار شناخته شده پروسترویکا و قیم «دموکرات ها» یا کولوف، که در آن موقع کاملا سری عمل می کرد از سالن خارج شد. درست یک روز پس از این حادثه از کمیته مرکزی به پدر من اطلاع داده شد که تقاضای او برای

برگرفته کوتاه از: «پراودا»

## اجلاس احزاب کمونیست اروپا

### مبارزه برای یک آلترناتیو اجتماعی مترقی

به ابتکار و دعوت حزب کمونیست پرتغال، در روزهای ۱۳ و ۱۴ اسفند ماه گذشته، یک اجلاس بین المللی درباره «اوضاع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه اروپا و یافتن پاسخ به کارگران خواستار یک آلترناتیو اجتماعی مترقی» برگزار گردید.

علاوه بر حزب کمونیست پرتغال، رهبران و ایدئولوگ های سرشناس از احزاب کمونیست اسپانیا، فرانسه، یونان، حزب احیای کمونیستی ایتالیا و حزب سوسیالیسم دموکراتیک آلمان در این مباحثات و تبادل نظرها شرکت داشتند. در پایان اجلاس نمایندگان پنج حزب شرکت کننده در یک مصاحبه مطبوعاتی شرکت نمودند و جمع بندی مباحثات انجام شده طی یک بیانیه مطبوعاتی، برای انعکاس در رسانه های گروهی، ارائه شد. در بخشی از بیانیه مطبوعاتی آمده است: «اجلاس، تبادل و وسیع اطلاعات، تجارب و نقطه نظرات را ممکن ساخت. شرکت کنندگان در اجلاس تایید کردند که اوضاع بسیار متنوعی در کشورها به چشم می خورد و لزوما نیازمند پاسخ ها و برخورد های متمایز مبتنی بر تحلیل و تفکر احزاب این کشورها می باشد. در عین حال این واقیعت نیز مشخص گردید که محدوده عظیمی از مسایل مشترک در برابر احزاب قرار دارد».

در اجلاس، بحران عمیق اقتصادی- اجتماعی و سیاسی کشورهای جامعه اروپا مورد مطالعه قرار گرفت. این بحران ریشه در طبیعت سرمایه داری و در ناتوانی آن در حل مشکلاتی دارد که بشریت امروز با آن ها روبروست. بحران مزبور ورشکستگی دستورالعمل های نئولیبرالی و مونتاریستی و عواقب زیان بخش پذیرش یک نقش مطلق برای «بازار» و «رقابت» را افشا می کند. سوسیال دموکراسی، که هنگام در دست داشتن قدرت دولتی به مجری سیاست های نئولیبرالی نیروهای راست مبدل می شود، در مقابل این بحران ها مسئولیت دارد.

این بحران مشخصه ها و خصیصه های جدید سرمایه داری امروزی را آشکار می سازد و باید عمیقاً از طریق مقایسه تحلیل ها و نقطه نظرهای احزاب کشورها مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

در اجلاس، توجه خاصی به وضعیت اجتماعی رو به وخامت هرچه بیشتر در کشورهای جداگانه و در کل جامعه اروپا بشکل بیکاری عظیم مزمن، گسترش فقر و محرومیت های اجتماعی، ظهور فزاینده اشکال بی ثبات ادامه در ص ۷

## «نه به قدرت خدایان، بلکه به توان حقیقت»

صاحب منصبان ممتاز راضی نمی کرد و به کمیته مرکزی حزب کمونیست گزارشاتنی درباره «اشتباهات» در بیانات سردبیر «پراودا» می رسید. لازم آمد که توضیحاتی در این باره داده شود. در پایان این توضیحات چنین آمده بود: «نمی دانم کمیته مرکزی از تمامی این سرگذشت جنجالی چه نتیجه ای می گیرد. ولی بار دیگر می خواهم بگویم که منافع بالاتر از منافع حزب، میهن برای من وجود نداشته و ندارد. و با این فکر زندگی می کنم. و اگر لازم باشد بخاطر آن جان خود را نیز فدا می کنم...».

در اینجا مایلیم به پیروزی که منجر به کناره گیری آفاناسیف از سردبیری روزنامه «پراودا» شد اشاره کنم، زیرا بسیاری تاکنون فکر می کنند این برکناری در نتیجه درج مقاله ای درباره مستی «بوریس یلتسین» در آمریکا بوده است. قبل از این مقاله نیز غالباً مطبوعات ضد روس و اعضای از هیئت سیاسی او را مورد حملاتی قرار می دادند. بالاخره او تقاضا کرد که او را به «عرصه علوم» واگذارند. ولی «گارباجف» با ضرب المثل هایی از قبیل: «در جستجوی تبر زیر میز من نباش»، «هنگام عبور اسب ها را عوض نمی کنند» موضوع را به شوخی برگذار می کرد. اما آفاناسیف مزاحم دموکرات- کمونیست هایی که مخفیانه به قدرت کشیده می شدند، بود و در اطاق های ساکت کمیته مرکزی تحریکات علیه او شدت می یافت. در سپتامبر ۱۹۸۹ کنفرانس کلپ های متحد مسکو برای انتخابات و انجمن انتخاب کنندگان مسکو جلسه سری خود را به انجام رساند.

برای روشن ساختن قصد چنین جمعیتی، لازم است که چند نقل قول از سخنان آن ها آورده شود: گاوریل پوپوف در آن جا چنین می گوید: «... ما شانس پیروزی را داریم. باید هر نماینده فدراتیو روسیه را در حساب گذاشت. او باید بداند که اگر طبق توصیه گروه بین مناطق رای ندهد زندگی کردن در این کشور برایش ممکن نخواهد بود... برای ایجاد اعتراض عمومی مردمی لازم است سیستم بازرگانی را به جایی برسانیم که دیگر نتوان چیزی خرید. باین ترتیب می توان اعتصاب های عمومی کارگری را در مسکو دامن زد و سپس سیستم کامل جیره بندی را برقرار ساخت و کالاهایی را که باقی می ماند (از جیره بندی) با ادامه در ص ۷

ویکتور گریگوریویچ آفاناسیف، دانشمند، رجل سیاسی و شخصیتی برجسته که شهرت جهانی داشت، چندی پیش در مسکو درگذشت. کسانی که آفاناسیف را می شناختند از او به عنوان یک کمونیست واقعی، دانشمند بزرگ، ژورنالیست برجسته و رفیقی وفادار یاد می کنند.

دختر آفاناسیف، الگا آفاناسیونا، از جمله درباره پدر خود چنین یاد می کند: «او برای من تنها پدر نبود، بلکه رزمنده ای بود که نه تنها در جنگ میهنی، بلکه در جبهه های سومین جنگ جهانی (ابتدا سری، «جنگ سرد» و سپس آشکارا در «مناطق داغ» اروپا و اتحاد شوروی) شرکت داشت. برای او هیچگاه جنگ تمام نشد، زیرا او همراه با کارکنان شریف «پراودا» در خط مقدم با مخالفان دولت شوروی و در درون با دشمنان آن یعنی دروغ، فریب و تعلق می رزمید. همیشه و در هر نظامی، در هر جامعه و هر کشوری اشخاصی سازنده، که آماده بوده و هستند سر خود را در راه میهن بگذارند، وجود داشته و دارند. فرصت طلبان، جاه طلبان و خائنان نیز بوده و هستند.

از دیرگاه روشن است که مسولیت دسته جمعی در عین حال یک نوع بی مسولیتی است، زیرا در اینجا می توان گناهان را از دوش گناهکاران برداشت و بر دوش دیگران گذاشت. به این ترتیب نباید سازندگان و کمونیست های تیب «ژوکوف»، این میهن دوستان را با نوع کمونیست های شیطان صفت یکی گرفت. پدر من از نوع اول بود، او مقدس نبود، ولی او می توانست فکر کند، تصمیمات مسولیت دار بگیرد، اشتباهات خود را بپذیرد و بیاموزد...

از مدت ها قبل او می فهمید که نبرد نیروهای جهانی در پرده علیه کشور شوروی با دقت تدارک دیده می شود، برنامه ریزی می شود و حساب شده به اجرا در می آید. در سال ۱۹۸۳، پس از ملاقات «ایدنبرگ»، جایی که او باید در دیدار با نمایندگان مطبوعات غرب در مورد حادثه هوایمیای کره ای توضیح دهد، چنین نوشت: «این حادثه، تحریک ظرفی است که دستگاه امنیتی ایالات متحده آمریکا سازمان داده است و در نتیجه آن ارباب کاخ سفید ۳ برگ برنده بدست آورده است: برنامه عظیم نظامی خود را به کنگره ارائه دهد؛ مذاکرات مربوط به تسلیحات هسته ای در اروپا را بلوکه کند و هیستری شوینیستی ضد شوروی، که در آن حد تا آن زمان در ایالات متحده آمریکا و در جهان دیده نشده بود، راه بیاندازد».

البته روشن ساختن این مساله کسانی را هم از

رقفا، دوستان و هواداران حزب می توانند برای تماس با حزب از

شماره فاکس: ۳۲۲۱۶۲۷ - ۳۰ - ۲۹ ( آلمان - برلین ) استفاده نمایند

NAMEH MARDOM

NO ; 430

June 21 , 1994

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

Address : Postfach 100644 , 10566 Berlin , Germany

نامه

مردم